

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 36)

کمپنی های محافظتی و تمویل گروه طالبان در افغانستان

طوریکه در صفحات قبلی تذکر دادیم، هم حکومت ایتالیا که در افغانستان سرباز داشت، بگونه های خاص و غیر مستقیم، طالبان را تمویل مالی میکرد و هم امریکا و انگلستان و سایرکشورهای "جامعه جهانی". این، موضوعی بود که بارها از طریق منابع رسمی کشورهای مذکور و رسانه های کشور افشا شد و گزارش های متعددی در این زمینه به نشر رسیدند که ما چند نمونه از این گزارشها را در اینجا درج مینماییم:

مطبوعات افغانستان و امریکا نوشتند که "کنگره امریکا قانونی را تصویب کرده است که بر اساس آن دولت افغانستان و همچنین نیرو های امریکایی مجوز خواهند داشت تا برای جلوگیری از پیوستن مخالفین دولت به گروه طالبان، به آنها کمک مالی کند. و به این منظور، یک بودجه در حدود یک میلیارد و سه صد میلیون دالر بعنوان برنامه واکنش اضطراری فرماندهان امریکایی در عراق و افغانستان در نظر گرفته شده است. .. رییس کمیته نظامی سنای امریکا نیز تأکید کرد که این پول باید به فرماندهان پیشین طالبان داده شود تا آنان از محلات شان محافظت کنند." (132)

(یااولی الاابصار)

روزنامه واشنگتن پُست نوشت که " بر بنیاد تحقیق یکساله اردوی امریکا، دو میلیارد و شانزده ملیون دالر امریکایی که حکومت امریکا در بخش ترانسپورت با هشت شرکت قرار داد کرده است، بخش اعظم آن از طریق چهار شرکت به طور غیر مستقیم به طالبان رسیده است . " (133)

مجله " دی نیشن" مصاحبه یکی از پژوهشگران امریکایی بنام " آرام راستن" را به نشر رسا نید که گفته بود : " کارمندان سیویل پیمانکار در ارتش امریکا به گروههای مخالف پول میپردازند تا راه های عبور کاروانهای تدارکاتی از حمله ی آنها مصون باشد. این شیوه که حمایت طالبان را بخرد، مسئله ی مخفی نیست . . . ده فیصد از بودجه ی لوژستیکی به دست طالبان میرسد . . ." (134)

"آرام راستن" علاوه نموده است که : " وطن ریسک یک کمپنی غیر معمول است که بوسیله ی دو برادر (برادران پوپل) مدیریت میشود. آن دو، از اقوام رییس جمهور کشوراند. آنها در ایالات متحده بعنوان مجرمین جنایی قاچاق هیرویین تحت پیگرد بودند. یکی از این دو برادر در 2001 مترجم و در حقیقت سخنگوی طالبان بود. این زمان در اینجا (افغانستان) این دو برادر بزرگترین و نان و آب دار ترین و مهمترین و بزرگ ترین کمپنی محافظتی (وطن ریسک) را مدیریت میکنند. آن دو به سببی به این کمپنی کنترل دارند که با حلقات بالایی قوماندانان رابطه های نزدیک دارند." (135)

یکی دیگر از همین سلسله کمپنی های محافظتی که عمدتاً ولایت ارزگان و نواحی آنرا تحت پوشش قرار میداد، بنام " ایشیا سیکوریتی گروپ " بود که در رأس آن شخص متنفزی بنام " مطیع الله " از نزدیکان حامد کرزی قرار داشت. گفته شد که مطیع الله قبل از سال 2001 میلادی وظیفه راننده گی داشته است و اما پس از سقوط امارت طالبان و اشغال افغانستان توسط نیرو های فرا ملیتی، با برقراری ارتباط با (سی.آی.ای) و نیروهای امریکایی وبا استفاده از نفوذ قومی و خانواده گی، توانست یک نیروی مسلح 3000 نفری را در چارچوب " ایشیا سیکوریتی گروپ " گرد آورده مالک ملیونها دالر شود. این نکته را نیز باید افزود که مطیع الله خان که بعد ها او را " امپراتور ارزگان " یاد میکردند، داماد شخص متنفزی بنام " جان محمد" عنصر بسیارقرین به حامد کرزی بود. نفوذ، قدرت و ثروت مطیع الله خان تا آنجا رسید که حامد کرزی او را بحیث فرمانده نیرو های امنیتی ولایت ارزگان مقرر نمود و او در واقع،

همه کاره آن ولایت گردیده حتا در تعیینات و مقرری های کارمندان بلند رتبه به شمول والی های ولایت ارزگان نقش عمده داشت. روزنامه نیویارک تایمز در شماره مؤرخ پنجم ماه جون سال 2010م خویش او و احمد ولی کرزی برادر حامد کرزی را در جمله فعال ترین تاجران مواد مخدر معرفی نمود. این موضوع نیز افشا شد که مطیع الله خان در هر ماه مبلغ دو میلیون و پنجمصد هزار دالر بدست می آورد و مقام های امنیتی دولت افغانستان هرگز قادر نشد تشکیلات مسلح سه هزار نفری او را منحل نماید. (مطیع الله خان در اواخر سال 2014م در شهر کابل ترور شد)

این پژوهشگر امریکایی در برابر این سؤال که " از کمپنی دیگری که اسم بردید، (ان سی آل هولدینگ) نام دارد و بوسیله پسر وزیر دفاع افغانستان (رحیم وردک) مدیریت میشود و یک قرار داد سه صد و هشتاد میلیون دالری دارد، ولی وزیر دفاع ادعا میکند که از کار و قرارداد پسرش اطلاعی ندارد"، چنین اضافه میکند: " همه میدانند که اسم پسر، حامد وردک و نام پدرش رحیم وردک است. در زمان مبارزه با شورویها، از رهبران مجاهد بود. ایالات متحده با او کار میکرد. رحیم وردک با " میلت بیردن" یک مامور بلند پایه سی آی ای که در آن زمان مدیر مرکز اسلام آباد بود، کار میکرد. این همکار سابق ما اسم شان در کتاب " چارلی ویلسن، وار" آمده است. " (136)

"آرام راستن" از یک کمپنی دیگر بنام " هوست نیشن ترکنگ" نیز یاد کرده که مبلغ سه صد و شصت میلیون دالراز مدرک یک قرار داد با امریکایی ها نصیبش شده است " و متذکر شده که " بخش چربی از پول به رهبران مبارزین میرسد تا آنها عبور مطمئن اموال را تضمین کنند. "

امریکایی ها، قبل از این، دست به ایجاد کمپنی های " سکورتی" یا امنیتی نیز یازیده بودند تا کمپنی های مذکور با استفاده از نیرو های مسلح تحت فرمان شان، از عمارات شخصی و رسمی، مامورین عالیرتبه، دخایر مواد و اجناس، کاروان های حمل و نقل مواد لوژستیک و امثالهم حراست نمایند. گفته شده که تعداد مجموعی چنین کمپنی های پُرخرچ در افغانستان

بیشتر از پنجاه کمپنی بود که مناصفۀ آن، با صدها مرد مسلح و ملیونها دالر بودجه، در اختیار زورمندان دولت حامد کرزی قرار داشتند، مانند اینها:

اشیا سکورتی گروپ

وطن ریسک منجمنت

کندهار سیکورتی گروپ

قطعه ریزرف

شرکت امنیتی ان . سی . ال

گلف مناس

شرکت امنیتی شمشاد

افغانستان نوین

اس. اس. جی

اس. اس. ای

خراسان

بلک واتر

سپین غر و ده ها کمپنی دیگر.

بزرگترین کمپنی محافظتی، عبارت از کمپنی " بلک واتر" امریکایی بوده که مستقیماً در خدمت (سی.ای.ای) قرارداد و به هیچ مرجع داخلی جوابگو نبود. گهگاهی، اعمال و حرکتی از افراد کمپنی " بلک واتر" سرمیزد که نه تنها در بخش عملیات نظامی وحشت آور بود، بلکه بعضی اوقات، ادا و اطوار آنها، مغایر اخلاق و سنت های عامۀ مردم افغانستان نیز قرار می گرفت. مثلاً، در سال 2010 میلادی بود که یک سلسله عکسها در مطبوعات

افغانستان به نشر رسید. عکسهای منتشر شده افرادِ محافظتی سفارت امریکا در کابل بنام "بلک و اترسکورتی کمپنی" را نشان میداد که در یک "پارتی" یا شب نشینی و بحضورِ جمعی از کارمندانِ زنانه و مردانه آنجا، با اندام های برهنه و بوتلهای شراب در دست، میرقصیدند. گفته شده که بخشِ بزرگی از انفجارهای خونین در عراق، افغانستان، پاکستان و مناطقِ دیگر جهان توسط همین کمپنی و در جهتِ پیشبردِ برنامه های محرمانه (سی آی ای) انجام داده شده است.

بررسی ها و دریافتهای منابع مختلف تحقیقاتی نشان داده که مثلاً کمپنی امنیتی " بلک و اتر" ظرف دهه های اخیر، نه تنها قرارداد های " خدمات نظامی " به ارزش صد ها ملیون دالریا وزارت دفاع امریکا عقد کرده است، بلکه دیربست بمتابۀ بازوی نظامی انوزارت در جنگهای اطرافِ جهان مبدل شده است. این کمپنی، برای نخستین بار در سال 1997 میلادی بنام " اکس سرویسس" پایه گذاری شد و در سال 2007 میلادی ، پس از آنکه افراد مسلح آن، به تعداد هفده نفر غیرنظامی عراقی را در بغداد به قتل رسانید و بیشتر از بیست تن دیگر را زخمی نمودند، بر سر زبانها افتید.

باید گفت که طرح ایجاد کمپنی های شخصی یا خصوصی امنیتی از سوی ایالات متحده در سالهای اخیر، تحول منفی عجیبی را در بخشِ امور نظامی بوجود آورده است. گفته شده که مقام های نظامی امریکا، اکثر اقداماتِ خونین و کشتارهای بیباکانه در کشورهای افغانستان، عراق و مناطقِ دیگر جهان را از مجرای همین کمپنی ها، بخصوص توسط نیرو های کمپنی " بلک و اتر" انجام میدهد.

منسوبین کمپنی های امنیتی نیز موازی با نیروهای " اربکی" (ملیشه های مسلح) از سلاح های پیشرفته، صلاحیت های بالا تر از قانون، دستورها و حمایت های مقام های بلند پایه برخوردار بوده و هر زمانیکه میخواستند، میتوانند با اعمالِ زورگویانه و لومپنانه شان، دود از دمار مردم افغانستان بکشند، بدون آنکه مقام و مرجعی از آنها بازخواست نماید. این اقدام

امریکایی ها، همان طرح نیروهای روسی را بیان میداشت که درسالهای جهاد مردم افغانستان، دست به تشکیل " گروه های مسلح مقاومت " در نقاط مختلف کشور زده همه گونه امکانات مدرن جنگی و امتیازات کافی مادی را برای گروه های متذکره فراهم آوردند تا از " انقلاب " در برابر مجاهدین دفاع بعمل آورند.

یکی دیگر از این کمپنی های امنیتی امریکا بنام " جورج ساینترفیک " بود که قرارداد هایی به ارزش یک میلیارد دالر با دولت امریکا برای افغانستان به امضا رسانیده بود. این کمپنی، علاوه از سایر خود سری هایش، رسوایی های اخلاقی را نیز به بار آورد. این رسوایی، همانند اعمال و حرکات رسوا آمیز افراد امنیتی کمپنی " بلک واتر " بود که قرار گزارش سایت خبری " دویچه وله " آلمان، اسناد بدست آمده، یکتعداد مردان مربوط به این کمپنی را در افغانستان نشان میداد که بگونه کاملاً عریان، هم شراب مینوشیدند و هم کشتی گیری مینمودند. گفته شد که عکسهای این صحنه ها توسط دو تن از کارمندان سابق کمپنی مذکور برداشته شده و به اختیار شبکه تلویزیونی (ای.بی.سی.) امریکا گذاشته شده بود.

شبکه اطلاع رسانی افغانستان در ماه اسد 1392 خورشیدی از قول روزنامه " ایندپندنت " نوشت که " قرارداد های چندین ملیون دالری طی پنجسال اخیر به 43 شرکت ساختمانی، تدارکاتی، راه سازی و تکنالوژی اطلاعاتی سپرده شده که با شبه نظامیان گروه طالبان ارتباط داشته اند... جان سوپکو رییس مرکز بازرسی مخصوص در امور باز سازی افغانستان (سیگار) گفت که این سازمان در سال 2008م قرارداد های باز سازی و فرعی به ارزش بیش از یکصد و پنجاه ملیون دالر را شناسایی کرده که با شرکت هایی بسته شده اند که از سازمان های شبه نظامی و تروریستی در افغانستان حمایت مادی میکنند..."

چنین شیوه های کاری که منابع رسمی امریکا بدان اعتراف کرده اند، به هیچصورت اتفاقی و نا آگاهانه هم نبوده است، بلکه وسیله تمویل گروه تروریستی طالبان بگونه غیرمستقیم و مزورانه در افغانستان و منطقه بحساب میرود. روی همین دلایل است که ما سعی میکنیم

در لابه لای این اثر، وجودِ دسایس، برنامه ها و مقاصدِ خاصِ سیاسی - استراتژیکِ قدرتهای بزرگ تحت شعار " مبارزه علیه تروریسم " در افغانستان را نشانی نموده به آگاهی خواننده های عزیز برسانیم.

البته در عین حال، تعدادی از جنگ سالارها، تفرنگدارانِ تنظیمی و دولتی و مامورینِ عالیرتبه حکومتی نیز در چنین یک معامله پر درآمد سهیم بوده اند. " پیتر تامسن " در صفحه 662 کتاب " جنگ افغانستان " با صراحت مینویسد: " فرماندهانِ نظامی امریکا و کانادا در ولایت قندهار، غرض تأمین امنیتِ کاروان های متحدین، برای احمد ولی کرزی ملیونها دالر پرداخته اند. گزارشگرانِ غربی، در حالیکه از نزدیکی وی با سی. آی. ای گفته اند، می افزایند که به منظور حراست از سکونت گاه های { غربی ها در قندهار } نیز برای وی پول پرداخته شده است ... "

بیجا نخواهد بود هرگاه یک قسمت از مطالبی را که پیرامون چگونه گی کمپنی های محافظتی خصوصی نگاشته شده و به تاریخ هجدهم ماه قوس سال 1394 خورشیدی در وبسایت (حزب همبستگی افغانستان) به نشر رسید، به منظور شناخت بیشتر و بهتر از چنین خصوصی سازیهای امریکا در اینجا درج نماییم:

" خصوصی سازی در جوامع سرمایه داری در هر زمینه به حدی پیش رفته که دیگر حتی جنگها نیز به کمک شرکت های خصوصت مربوط به این و آن غول سرمایه پیش میروند که این روند، کشتار و جنایت و بربریت را نیز بصورت بی سابقه ای افزایش داده است. این شرکت ها عموماً افراد لمین و متعلق به باند های مافیایی دارای سابقه جرمی را استخدام نموده به کشورهای دیگر می فرستند که با وحشت تمام و بدون هیچگونه نگرانی از بازخواست قانونی، غیرنظامیان را مورد شکنجه و کشتار قرار میدهند. شرکت های خصوصی نظامی (پی.ام.سی. اس) شامل نیرو های مسلحی میشوند که ظاهراً از کنترل دولت خارج بوده و تحت مدیریت شرکت های خصوصت قرار دارند و جهت پیشبرد اهداف نظامی توسط دولتها در بدل قرار داد های سود آور به خدمت گرفته میشوند. با نفوذ این شرکتها در دولت، کشورها بیشتر به جنگ طلبی و میل تاریزم کشانیده میشوند و جنگ در خدمت اهداف اقتصادی این شرکت ها قرار می گیرد. با آغاز مداخلات نظامی امریکا بعد از یازدهم سپتامبر، خصوصی سازی جنگ نیز فزونی یافته است که ابعاد فاجعه باری، مخصوصاً برای مردم افغانستان و عراق در برداشت. تاحال پنتاگون {وزارت دفاع امریکا}

بیش از هفتصد هزار نیروی خصوصت را مورد استفاده قرار داده که تنها در سال 2010 حدود پنجاه میلیارد دالر عاید این شرکتها شده است. روزنامه " فایننشال تایمز" به تاریخ 13 مارچ 2013 گزارش داد که دولت امریکا در ده سال جنگ عراق، 138 میلیارد دالر به پیمانکاران خصوصی پرداخت کرده است. از این به (کی بی آر) داده شده است که بخشی از شرکت (هالیبرتون) میباشد که توسط (میان، 39.05 میلیارد به دیک چینی معاون رییس جمهور جورج دبلیو بوش راه اندازی شده بود. " فایننشال تایمز" از گزارش سال 2011 یک کمسیون کانگرس که در ارتباط به پیمانکاران جنگی تهیه شده نقل میکند که از سال 2001 بدینسو، حداقل 60 میلیارد دالر (یا روزانه حدود 12 میلیون دالر) در اثر تقلب قرار دادی ها به هدر رفته یا ناپدید شده است. با اشغال افغانستان، امریکا در کنار نیرو های ملی نظامی اش، با پرداخت ده هابیلیارد دالر به شرکت های خصوصی، سرباز اجیر کرده آنان را به افغانستان سرازیر نمود. در طول این مدت، جنایات هولناکی از سوی سربازان این شرکت ها در برابر غیر نظامیان سرزده است. عاملان آن نیز پس از دستگیری و " محاکمه"، بلا فاصله آزاد شده و دو باره به حیث سرباز برای این شرکت ها فعالیت مینمایند. این شرکت ها در افغانستان نیز در زد و بند با برخی مقامات فاسد و پلید افغان، شرکت های خصوصی افغان را مورد حمایت قرار داده با سپردن بخشی از مسئولیت های شان به آنان تحت عنوان " شرکتهای خصوصی امنیتی" گردیدند که در واقع باند های آدمکش و جنایتکارند که با معافیت تمام، دست به هر رذالت و آدمکشی میزنند. نشریه "مادرجونز" به تاریخ 2 سپتامبر 2011، ده مورد از قرار داد های " بی ارزش " پنتاگون را شرح داده مینویسد که امریکا برای امنیت کاروان هایش در افغانستان، به جنگسالاران و " افراد بد " تکیه کرد. این نشریه در این ارتباط از یک گزارش کانگرس امریکا نقل میکند: " این قرارداد باعث تحریک جنگسالاری، اخاذی و فساد شده و میتواند یک منبع عمده مالی برای شورشیان باشد. " در سال 2003، برای حفظ امنیت کرزی، با شرکت خصوصی داینکورپ، قرارداد 52 میلیون دالری بسته شد. شرکت امریکایی در زمینه حمل و نقل هوایی، عملیات های هوایی، آموزش، توسعه بین المللی، امنیت و غیره، فعالیت نموده و بیش از 96 درصد از عواید 3 میلیاردی اش را از دولت امریکا دریافت کرده است. در 28 نومبر 2010، سایت افشاگر " ویکی لیکس" سندی از پرداخت پول توسط " داینکورپ " جهت استفاده مواد مخدر و برگزاری محافل بچه بازی برای پولیس افغان در کنز پرده برداشت که در سایت همبستگی با عنوان " رسوایی شرکت داینکورپ" که حنیف اتمر آنرا زیرزد، نشر گردیده است.

یکی از شرکتهای گسترده نظامی خصوصی، " بلک واتر " است که در سال 1997 توسط اریک پرنس تأسیس شد و در اواخر سال 2010 به علت رسوایی های پیاپی، به " ایکس. ای. سرویس " تغییر نام داد. " بلک واتر " همکاری بسیار نزدیکی با سازمان " سیا " دارد... نیرو های " بلک واتر " مرتکب جنایات جنگی گوناگونی در عراق و افغانستان شده اند. در سال 2007 نیرو های این شرکت 17 غیرنظامی را در عراق به قتل رساندند، زنی را در سال 2006 زیر موترشان کشتند، از سلاح های ممنوعه استفاده نمودند، بردختان عراقی تجاوز نمودند و ... در نتیجه، غیرنظامیان و افراد ملکی از قربانیان اصلی این درنده خویان در عراق و افغانستان بودند. در واقع، امریکا با اجیر ساختن چنین شرکت های بد نام و جنایتکار، میکوشد بار مسئولیت جنایات هولناک را از دوش دولت رد نموده بر این شرکتها بیندازد، در حالیکه با به کار گرفتن اینچنین آدمکشان حرفوی، مسئولیت عمده به دوش دولت جنگ افروز آن کشور است... "

تفتین ها، سواستفاده جویی ها، دستبرد ها و پالیسی های ضد افغانی مقام های پاکستانی چنان وافر و رنگارنگ بود که حتا باری به محتویات " تر ک ها " و " تریلر " های حامل سکه های افغانی که بصورت رسمی و سربسته از آلمان به افغانستان فرستاده شده و از خاک پاکستان در حال عبور بسوی کابل بود، به تاریخ پانزدهم ماه اکتوبر سال 2005 میلادی در نواحی مرز تورخم دستبرد زدند و این موضوع را برای نخستین بار روزنامه " دی نیوز " پاکستان افشا نمود.

این، تنها نبود، " تریلر " های حامل مواد غذایی و سوختی مربوط به نیرو های ائتلاف بین المللی که از خاک پاکستان به قصد افغانستان عبور میکردند، ظاهراً توسط گروه های مسلح " نا شناس " و اما تحت نظر، هدایت و حمایت شبکه آ.ای.اس.آی مورد دستبرد و سرقت قرار میگرفتند.

جمع آوری عواید سرشار از بابت کمپنی های محافظی، اختطافهای سیاسی و مساعدتهای خارجی، رهبران و سرکرده گان گروه طالبان را به سوی فعالیت های بازرگانی پُر منفعت در

منطقه نیز کشانید. چنانکه تحلیلگران سیاسی در سالهای پسین اظهار داشتند که " حال جنگ دوامدار و طولانی طالبان، بیشتر بر اساس منافع مالی آنهاست، نه بر اساس نظریات و عقیده آنها "

یکی از محققان بنام حکمت الله اعظمی از مرکز تحقیقات جنگ و صلح در کابل، به رادیو آزادی گفت که " ... آنها {طالبان} برای به دست آوردن پول، در هر جا پاتک ساختند و آهسته آهسته، راه های دیگری را دریافتند و زنده گی آنها رونق یافت ... رهبران طالبان در قاچاق سنگ های کرومایت و مرمر هلمند که بسیار مشهور است، دست دارند و گفته میشود رهبران طالبان عواید آنرا بر علاوه آنکه در تحرکات خود استفاده میکنند، اما بخشی از آن در تجارت های شخصی آنها هم استفاده میشود "

سازمان ملل نیز قبل از آن گفته بود که " طالبان سالانه از راه قاچاق مواد مخدر، اختطاف افراد، باجگیری ها و غشگیری ها ، چهارصد میلیون دالر به دست می آورند. "

حکمت اعظمی همچنان به رادیو آزادی گفت که " آنها {طالبان} کار ترانسپورت را آغاز کرده اند. آنها یک کیلوگرام تریاک را به هزار کددار از یک جا به جای دیگر انتقال میدهند و از پولی که جامعه جهانی به حکومت افغانستان کمک کرده است، طالبان از آن هم سهم خود را می گیرند..."
(ادامه دارد)